|  |
| --- |
| **اسامی شهدای هفتم تیر+زندیگنامه**  **کانال پرورشی مدارس**  **@arshivemorabi** |

|  |
| --- |
| پنجشنبه 06 تیر 1392, 11:40 |
| حزب جمهوری اسلامی، جلسات هفتگی خود را یکشنبه‌ها برگزار می‌کرد. روز یکشنبه هفتم تیرماه 1360 نیز یکی از جلسات هفتگی حزب در دفتر مرکزی حزب واقع در سرچشمه تهران با حضور جمعی از اعضای حزب، نمایندگان مجلس و وزرای دولت برگزار شد.   به گزارش [رویش نیوز](http://rooyeshnews.com/) به نقل از ایسنا، منافقین سعی کرده بودند تا توسط عامل نفوذی خود «محمدرضا کلاهی» تا آن‌جا  که ممکن است، مسوولان و شخصیت‌های برجسته نظام جمهوری اسلامی را به این قتلگاه بکشانند و در این انفجار از بین ببرند. اما برخی از مسوولان و شخصیت‌های برجسته نظام از جمله محمدعلی رجایی (نخست وزیر)، دکتر محمد جواد باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری، آیت‌الله مهدوی‌کنی، آیت‌الله علی قدوسی، حبیب‌الله عسگر اولادی و ... به دلایلی در جلسه حضور نداشتند یا قبل از انفجار جلسه را ترک کرده بودند.   حدود ساعت 21 درحالی که دکتر بهشتی در حال سخنرانی بود، دو بمب بسیار قوی در دفتر مرکزی حزب منفجر شد که بر اثر شدت انفجار قسمت‌هایی از ساختمان فرو ریخت و یک محوطه به ابعاد 10 در 10 متر در هم ریخت و آوار 2 متر از سطح زمین برجسته بود. شیشه‌های ساختمان‌های اطراف نیز کاملاً خرد شد. در نخستین ساعت پس از انفجار، صدها نفر از مردم تهران در خیابان‌های اطراف دفتر مرکزی حزب اجتماع کردند و آمبولانس‌ها بی‌امان در رفت و آمد بودند. سقف بتونی دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمب به کلی فرو ریخته بود و ده‌ها نفر زیر آوار مدفون شده بودند. اکثر مجروحین و شهدا که به آمبولانس‌ها حمل می‌شدند، غرق در خون بودند و به هیچ وجه شناخته نمی‌شدند.   کلیه بیمارستان‌هایی که شهدا و مجروحین این حادثه به آن‌ها انتقال یافته بود، به شدت از طرف مامورین کمیته‌ها کنترل می‌شد.   ساعت 30 /22 از بیمارستان طرفه خبر رسید: تا این ساعت هشت شهید که پیکر آن‌ها به کلی متلاشی شده به این بیمارستان برده شده‌اند و یکی از شهدا آقای طباطبایی نماینده مجلس شورای اسلامی است و هویت هفت نفر دیگر هنوز مشخص نشده است. در این بیمارستان همچنین 20 مجروح بستری است که حال مزاجی هشت نفر از آنان وخیم است.   در فاصله ساعت 23 تا 24، بیست و چهار جسد از زیر آور خارج شدند و ساعت 24 در حالی که نیروهای امدادگر مرکب از ارتش، سپاه، پلیس و کمیته در محل حادثه بودند. محوطه دفتر حزب پر از افرادی بود که برای امداد و کمک رسانی از لحظات اول حادثه خود را به محل رسانده بودند و این ازدحام سبب ناهماهنگی هایی در امر کمک رسانی شده بود.   ساعت 24 با اعلام نیاز به خون از سوی بیمارستان‌های تهران که مصدومین و مجروحین را پذیرفته بودند، عده‌ای از مردم در مقابل بیمارستان‌ها اجتماع کردند تا خون اهداء کنند.   در عملیات نجات مجروحین و مصدومین، اورژانس تهران حدود یکصد نفر از مجروحین را به بیمارستان‌های سینا،انقلاب، طرفه و فیروزگر انتقال داد و نیز عده‌ای توسط سایر ارگان‌ها به دیگر بیمارستان‌ها انتقال یافتند. عده‌ای از مجروحین هم به بیمارستان‌های دیگری چون جرجانی، نجمیه، بازرگانان، شفا، یحیائیان، سوانح شماره 5 و امیراعلم انتقال داده شدند.   ساعت نیم بامداد هشتم تیر ماه، ده‌ها تن از ماموران کمیته‌های انقلاب اسلامی 9 و 10، سپاه پاسداران، ارتش، دژبان و ماموران نجات و امداد آتش نشانی به همراه گروهی از مردم با تلاش زیادی و با بیل و کلنگ و حتی دست، مشغول کنار زدن خروارهاخاک و تیرآهن و تکه‌های بتون و آسفالت سقف بودند تا اجساد شهیدان راه انقلاب اسلامی و مجروهان را بیرون بیاورند.   ضمن این تلاش کسانی که مربوط به ارگان‌ها و نهادهای مختلف بودند، سعی می‌کردند که بتوانند آیت‌الله بهشتی را پیدا کنند. خیلی‌ها برای اطلاع از سرنوشت این مرد بزرگ، بی‌تاب بودند. حتی آن‌ها که مجروح بودند و تنشان زیر آوار بود، در همان حال اولین سوال‌شان از کسانی که به کمک آن‌ها آمده بودند، وضعیت دکتر بهشتی بود.   **با تمام تلاشی که شده بود تا ساعت 5 /1 بامداد هشتم تیر، اطلاعی از وضعیت آیت‌الله بهشتی در دست نبود. عده‌ای می‌گفتند ایشان جان سالم به در برده است و فقط قسمتی از سرشان مجروح شده که به بیمارستان منتقل شده است و عده‌ای عقیده داشتند که ایشان قبل از انفجار از محل سالن خارج شده است، اما هشت صبح، رادیو خبر شهادت آیت‌الله بهشتی را اعلام کرد.**   مردم تهران در ساعت هشت صبح، پزشکی قانونی را چون نگینی در میان گرفته بودند و پاسداران و افراد کمیته‌ها حفاظت از پزشکی قانونی را به عهده داشتند و کنترل عبور و مرور خیابان‌های اطراف را زیر نظر داشتند. جمعیت انبوه نوحه‌خوان و سینه‌زنان شعار می‌دادند که « عزا، عزاست، امروز – روز عزاست امروز – خمینی بت شکن، صاحب عزاست امروز». « می‌کُشم، می‌کشم، آن‌که برادرم کشت»، «مرگ بر آمریکا،مرگ بر اسرائیل، مرگ بر منافق».   ساعت 9 صبح (8 /4 /1360) اطراف پزشکی قانونی تا میدان سپه و از خیابان امیرکبیر تا میدان بهارستان مملو از مردمی بود که ناباورانه رادیوهای ترانزیستوری خود را به گوش چسبانده و یا گروه گروه دور یک روزنامه صبح حلقه زده و مشغول شنیدن و یا خواندن خبر این فاجعه دلخراش بودند.   در ساعت 5 /9 صبح، گروهی از پاسداران انقلاب، در حالی که مچ پای آیت‌الله بهشتی را روی دست‌های خود بلند کرده بودند، خود را به موج جمعیت عزادار و گریان رساندند و غریو شیون ده‌ها هزار نفر از حاضران در خیابان‌های اطراف پزشکی قانونی با دیدن مچ پای این مرد بزرگ که در جریان حادثه انفجار قطع شده بود، بلند شد.   روز سه‌شنبه 9 تیرماه 1360، مراسم تشییع پیکرهای پاک شهدای واقعه بمبگذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شد. دیوارهای مجلس با پارچه سیاه پوشیده شده بود و مزین به شعار و تصاویر شهدا و امام خمینی بود. از نخستین ساعات بامداد جمعیت عزادار در مقابل مجلس گرد آمده و این عمل غیرانسانی مزدوران آمریکایی را محکوم کردند. انبوه مردم به حدی بود که گذر به سوی مجلس امکان نداشت و تعدادی از وزراء و نمایندگان که می‌خواستند به مجلس بروند، موفق نشدند. لحظاتی پس از ساعت 8 صبح، آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس شورای اسلامی به یکی از بالکن‌های ساختمان مجلس آمد. جمعیت با دیدن او یکپارچه شور شد و شعار « عزا، عزاست امروز، روز عزاست امروز، بهشتی قهرمان پیش خداست امروز»، « هاشمی، هاشمی، بگو برادرت کو» و...سر دادند و رییس مجلس ضمن تبریک و تسلیت این فاجعه به خانواده‌های شهدا و عموم مردم عزادار، گوشه‌ای از خصوصیات شهیدان از جمله شهید بهشتی را برشمرد. پس از اتمام سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مراسم تشییع آغاز شد. دسته موزیک که از قبل در جلوی مجلس قرار گرفته بود، شروع به نواختن مارش عزا کرد و جمعیت گریه‌کنان و بر سر زنان شروع به شعار دادن کردند و جمعیت داغدار همراه آمبولانس‌ها رهسپار بهشت زهرا شدند.   مردم از ساعت‌ها قبل در بهشت زهرا حضور پیدا کرده بودند و در سوگ عزیزان از دست رفته عزاداری می‌کردند. با ورود ماشین‌های حامل پیکرهای شهیدان، غریو یا حسین، یا حسین، بهشت زهرا را پوشاند. پیکرهای شهیدان را به غسالخانه بردند و هر لحظه بر شدت شیون و زاری جمعیت افزوده می‌شد و مردم در دسته‌های مختلف به عزاداری و سینه‌زنی پرداخته بودند و شعار می‌دادند برای دفن شهدا، مهدی بیا، مهدی بیا. در قطعه 24 بهشت زهرا، 81 قبر کنده شده بود که جایگاه شهید آیت الله بهشتی در وسط قرار داشت. پیکرها را در حالی که ده‌ها تن زیر هر کدام « لا اله الا الله » گویان حرکت می‌کردند به طرف قطعه 24 آوردند. فشار جمعیت هر لحظه بیشتر می‌شد و جمعیت مانند دریای خروشانی به حرکت درآمده بود. همه می‌خواستند برای آخرین بار با یاران امام و امت دیدار کنند. فشار بیش از حد جمعیت، امکان دفن پیکرهای شهدا را نمی‌داد و این مساله به روز بعد موکول شد.   **روز چهارشنبه 10 تیر 1360، با آن که اعلام قبلی نشده بود از صبح زود صدها هزار نفر از مردم تهران در بهشت زهرا حضور پیدا کردند و در میان شدیدترین تاثرات و اندوه مردم، پیکرهای شهدای مظلوم فاجعه هفتم تیر به خاک سپرده شد.**   روز چهارشنبه 10 تیرماه، در فضایی آکنده از تاثر و تالم و در حالی که گل‌های سرخ در صندلی‌های 27 نماینده شهید قرار داشت، مجلس تشکیل جلسه داد. وجود تعدادی از نمایندگان مجروح بر روی برانکاد و صندلی چرخدار در مجلس به تمام ایادی و دشمنان انقلاب ثابت کرد که هیچ جنایت و خدعه‌ای از جانب آنان مانع حرکت امت انقلابی ایران نمی‌شود.   در رابطه با شهادت آیت الله بهشتی و 72 تن از یاران با وفای امام شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌ها و نهادهای انقلابی، تلگرام‌ها و اطلاعیه‌هایی صادر کردند. همچنین مجالس متعدد سوگواری از سوی جمعیت‌های مختلف در سراسر کشور برپا شد. روز 13 تیرماه نیز از سوی امام خمینی مجلس ترحیم و تحلیل از شهید آیت‌الله بهشتی و 72 تن از یارانش با حضور نخست‌وزیر و اعضای دولت، فرزند امام، نمایندگان مجلس و هزاران تن از مردم در مدرسه عالی شهید مطهری برگزار شد.   **انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در تاریخ هفتم تیرماه 1360 منجر به شهادت آیت‌الله دکتر محمد حسینی بهشتی دبیرکل حزب و 72 تن از یاران امام که اکثر آن‌ها مسوولیت‌هایی را در اداره امور کشور بر عهده داشتند به شهادت رسیدند که از آن جمله 4 وزیر و 27 نماینده مجلس بودند. عده‌ای نیز مجروح شدند.**   در این بخش به معرفی مختصری از شهدای این فاجعه خواهیم پرداخت.   **1- علی اصغر آقازمانی:** در سال 13311 در قصبه نراق محلات متولد شد . فوق لیسانس حسابداری را از دانشگاه  صنعت نفت اخذ کرد و با مطالعات مذهبی که داشت، مبارزاتش را شروع کرد. کلاس‌های درس شناخت شهید بهشتی در منزل ایشان دایر شد و در پیروزی انقلاب نقش فراوانی داشت و در همان روزهای اول به سازماندهی کمیته‌ها پرداخت و سپس جهاد سازندگی و نهضت سواد آموزی را نیز همراهی کرد. اندکی بعد مسوول دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد و هماهنگی‌های ایشان را با مسوولین نظام و مجلس شورای اسلامی به انجام می‌رساند. وی در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **2- جواد اسدالله‌زاده:**در سال 1329 در مشهد به دنیا آمد. فوق لیسانس و دکترای مدیریت را در آمریکا دنبال کرد. با اعلان عزیمت امام به ایران رساله دکترای خود را نیمه تمام رها کرد و به فرانسه رفت. تا رهبرش را همراهی کند. در دوران اقامتش در آمریکا در پنج شهر، انجمن اسلامی دانشجویان را پایه گذاری کرد. پس از بازگشت امام به ایران او اقامت کوتاهی در سوریه داشت و به همراهی چند دانشجو و یک روحانی، سفارت ایران را در سوریه پاکسازی کرد.   پس از ورود به ایران به تدریس اقتصاد اسلامی در دبیرستان‌های مشهد پرداخت و اندکی بعد به مدیریت عالی صندوق ضمانت صادرات برگزیده شد و به تهران آمد و همزمان در مدرسه عالی بازرگانی تدریس را شروع کرد. در پی فعالیت‌های ارزنده‌اش به معاونت بازرگانی خارجی در دولت شهید رجایی منصوب شد و عاقبت در هفتم تیر 1360 به دیار جاودانه شتافت.   **3- رحمان استکی:** در سال 13299 در شهرکرد به دنیا آمد. در رشته علوم تربیتی فارغ التحصیل شد و در جلسات  درسی استاد محمد تقی جعفری و درس خصوصی شهید بهشتی حضور یافت. سازماندهی راهپیمایی زادگاهش با نظارت و هدایت او صورت می گرفت و طی یک سند محرمانه به عنوان عامل تحریک دانش‌آموزان استان به ساواک معرفی شد.   پس از پیروزی انقلاب به عنوان معاون آموزش و سرپرست اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری انتخاب شد و اندکی بعد با رای قاطع مردم به مجلس شورای اسلامی راه یافت و سرانجام در فاجعه هفتم تیر به شهادت رسید.   **4- هادی امینی:** در سال 13322 در تهران متولد شد. مهندسی مکانیک و تاسیسات را از دانشگاه تهران اخذ کرد. با  پیروزی انقلاب و در پی عضویت در حزب جمهوری اسلامی، یکی از سرپرستان بنیاد مستضعفان شد و پس از آن فعالیت وسیعی را برای آبرسانی به دهات اطراف تهران آغاز کرد. مدتی را در واحد مهندسین استانداری تهران خدمت کرد. در افشای منافقین و بنی‌صدر کوشش فراوانی داشت و یک بار نیز تا مرز شهادت پیش رفت اما عاقبت نام او در کنار شهید بهشتی و در هفتم تیر 1360 در دفتر شهادت ثبت شد.   **5- حسن اجاره‌دار:** در سال 13299 در تهران متولد شد. کار و تحصیل را با هم انجام می‌داد و موفق به گرفتن دیپلم ریاضی شد. مبارزه را از سال 1349 آغاز کرد و در سال 13555 دستگیر شد. وی که از یاران شهید بهشتی و دکتر مفتح بود، با پیروزی انقلاب به گسترش کتابخانه‌های مساجد تهران پرداخت و فعالیت‌های قوی سیاسی خود را در سطوح دانشجویی پی‌گرفت. در اسفند ماه 1357 به عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی درآمد و در 7 تیر 1360 به جمع شهیدان پیوست.   **6- عباس ابراهیمیان:** پس از پیروزی انقلاب، نخستین کارش را در کمیته امداد خمینی آغاز کرد و سپس به عضویت  حزب جمهوری اسلامی درآمد. در روابط عمومی حزب و واحد شهرستان‌ها نهایت همت خود را صرف کرد و از آن‌جا به واحد تشکیلات رفت.   از آن‌جایی که بعضی از اعضاء خانواده‌اش جذب گروهک منافقین شده بودند با آن‌ها قطع رابطه کرد و به همین علت سخت مورد آزار و اهانت واقع شد و سرانجام در فاجعه هفتم تیرماه 1360 به شهادت رسید.   **7- محمدصادق اسلامی:** در سال 1311 در تهران متولد شد. کار و تحصیل را با هم دنبال کرد و در سال 13300 به همراه حاج صادق امانی، گروه شیعیان را بنیاد نهاد. پس از اعدام انقلابی حسنعلی منصور، 22 سال در زندان ماند و در سال 1355 با شهید اندرزگو، یک گروه ضربت علیه رژیم شاه را سامان داد. با شهادت اندرزگو، مجدداً زندانی شد و بعد از آزادی برای نخستین بار در یک سخنرانی در حرم حضرت عبد العظیم از بنیانگذار جمهوری اسلامی به عنوان امام خمینی یاد کرد. وی از رهبران راهپیمایی‌های بزرگ و از مسوولین کمیته استقبال و حفاظت اقامتگاه امام بود. در دولت شهید رجایی به عنوان معاون هماهنگی و پارلمانی وزارت بازرگانی برگزیده شد و در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **8- علی اکبر اژه‌ای:**در سال 1331 در اصفهان به دنیا آمد. پدرش آیت‌الله اژه‌ای از مجتهدین عالیقدر اصفهانی بود. وی در حوزه و دبیرستان تحصیلاتش را ادامه داد و لیسانس روانشناسی و فلسفه از دانشگاه اصفهان دریافت کرد. یکی از شاگردان خصوصی شهید بهشتی بود و بعدها در کانون علمی تربیتی جهان اسلام و مسجد امام علی(ع) اصفهان به فعالت پرداخت. «فرصت در غروب» و «نقد گزارشی بر شناخت» از دستاوردهای همین فعالیت‌هاست.   وی به اتفاق علی‌اکبر پرورش، شهید هاشمی‌نژاد و شهید محمد منتظری به لیبی سفر کرد و با معمر قزافی و چهره‌های انقلاب لیبی آشنا شد.  از آثار علی‌اکبر اژه‌ای، «ایمان از دیدگاه قرآن»، «صبر از دیدگاه قرآن»، «انسان از دیدگاه قرآن»، «دومین رمضان»، «شب قدر»، «فقه از دیدگاه اسلام»، «توحید برای جوانان»، «روانشناسی و فلسفه» و ... را می‌توان نام برد. وی در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **9- حسین اکبری:** در سال 13233 در تهران متولد شد. در رشته دامپروری از دانشگاه تهران، دانشنامه گرفت و به استخدام بانک تعاون کشاورزی در آمد. در حادثه 177 شهریور به همراه پسر کوچکش به طرز معجزه آسایی از مرگ نجات یافت.   پس از پیروزی انقلاب، در اکثر ارگان‌ها از جمله جهاد سازندگی، دادستانی انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع همکاری داشت. وی از بانیان انجمن‌های اسلامی کارکنان دولت و جامعه اسلامی فارغ التحصیلان دانشگاه‌های کشور بود. وی در فروردین 1360 به سمت مدیر عامل بانک کشاورزی منصوب شد و چند ماه بعد در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در 7 تیر ماه به شهادت رسید.   **10- مهدی امین‌زاده:**در سال 1328 متولد شد و خیلی زود به مدارج عالی تحصیل دست یافت. او پس از اخذ درجه فوق لیسانس در رشته اقتصاد، تحصیلات خود را در رشته دکترای برنامه‌ریزی اقتصاد در تگزاس دنبال کرد و با ورود امام به پاریس، عازم آنجا شد.  با ورود به ایران ابتدا در کمیته‌های مشهد شروع به کار کرد و در مهر ماه 1358 به عضویت هیات مدیره شرکت گسترش خدمات بازرگانی منصوب شد. در بهمن 1358 به معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی برگزیده شد و همت خود را صرف رفع تنگناهای اقتصادی کشور کرد و در هفتم تیر 1360 به کاروان شهدای سرچشمه پیوست.   **12-حسن بخشایش:** در سال1366 درتهران متولدشد. درسال13555 به دانشگاه علوم تبریز راه یافت و مبارزاتش را در تبریز و همزمان با انقلاب اسلامی شروع کرد و کانون نهضت اسلامی را در آن‌جا بنیان گذاشت.   در آشوب حزب منحله خلق مسلمان به سختی مقاومت کرد و برنامه‌های فراوانی برای رادیو و تلوزیون تبریز ساخت. دفتر جهادسازندگی تبریز به همت او راه‌اندازی شد. سپس دردانشگاه تبریز فعالیت‌های فرهنگی را آغاز کرد و در مهرماه 1359 عضوحزب جمهوری اسلامی شد و در فاجعه هفتم تیر به شهادت رسید.   **13- محمد بالاگر:** در سال 13288 در اراک متولد شد. خانواده‌ای مستضعف اما پایبند داشت. زندگی سیاسی‌اش را در  سال آخر دبیرستان و با پخش اعلامیه‌های حضرت امام خمینی، شروع کرد.  در روزهای پیروزی و تسخیر پادگان‌های ارتش با فریادهای الله‌اکبر پیشاپیش فاتحان می‌جنگید. بعد از پیروزی به خدمت سربازی در سومار و قطور رفت، سپس به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد و مسوول واحد سمعی و بصری حزب شد و در فاجعه هفت تیر به جمع شهدا پیوست.   **14- آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی:**در سال 1307 در اصفهان و یک خانواده روحانی به دنیا آمد. از چهار سالگی، تحصیلاتش را در مکتب خانه آغاز کرد. در سال 1321 تحصیلات دبیرستانی را رها کرد و در مدرسه صدر اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شد. در سال 1325 عازم تهران شد و به تحصیل در دانشکده معقول و منقول مشغول گردید و در سال 1330 موفق به اخذ لیسانس از این دانشکده شد. از سال 1333 تا 1342 با تاسیس دبیرستان دین و دانش در قم به نزدیک ساختن حوزه و دانشگاه پرداخت و طی همین سال‌ها در تاسیس و فعالیت هیات‌های مؤتلفه نقش مهمی ایفا کرد. پس از ترور حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت ایران، به وسیله این گروه، با استفاده از این موقعیت دعوتی که آیات عظام قم از ایشان برای هدایت مسجد هامبورگ به عمل آوردند، عازم آلمان شد و در سال 1349 به ایران بازگشت اما رژیم پهلوی مانع مسافرت مجدد وی به آلمان شد. دکتر بهشتی در سال 1354 به دلیل اشاعه مفاهیم سیاسی قرآن طی جلساتی که از چهار سال پیش از آن شروع شده بود، بازداشت شد اما پس از مدتی آزاد شد و در تشکیل جامعه و روحانیت مبارز به همراه آقایان مطهری، مفتح، ملکی، امامی کاشانی و جمعی دیگر از علمای مبارز، نقش فعالی ایفا کرد. او همچنین نقش موثری در هدایت انقلاب اسلامی در داخل کشور داشت و پس از عاشورای 1357 مدتی دستگیر شد. با عزیمت امام خمینی(ره) به فرانسه، وی نیز عازم پاریس شد و به امر امام(ره) هسته اولیه شورای انقلاب را با همکاری افراد دیگری چون آیت‌الله مطهری و آیت‌الله موسوی اردبیلی و حجج الاسلام رفسنجانی و باهنر تشکیل داد.   پس از پیروزی انقلاب، آیت‌الله بهشتی به ترتیب سمت‌های ریاست شورای انقلاب، نیابت رییس مجلس خبرگان و ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت. وی از موسسان حزب جمهوری اسلامی و اولین دبیرکل این حزب بود. از آثار وی می‌توان کتاب‌های «خدا از دیدگاه قرآن»، «نماز چیست؟»، «روحانیت در اسلام»، « شناخت دین»، «مالکیت» و ... را نام برد.   آیت‌الله بهشتی سرانجام در هفتم تیر 1360 به همراه 72 تن از یارانش در جریان انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **15- محمد پورولی:** در سال 13355 در تهران متولد شد. خانواده مستضعف اما متدین او در جنوب شهر تهران سکونت داشتند. وی در سال 13555 در رشته بازرگانی و مدیریت دانشگاه غزالی قزوین پذیرفته شد و انجمن اسلامی این دانشگاه را بنیان نهاد. بعد از پیروزی انقلاب به عضویت بخش سیاسی و سپس دانش‌آموزی حزب جمهوری اسلامی درآمد و تمام همت و تلاش خود را صرف گسترش سلاح عقیدتی و سیاسی دانش آموزان کرد. وی در شامگاه هفتم تیر 1360 به جمع شهیدان انقلاب پیوست.   **16- سیدرضا پاک‌نژاد:**در سال 1303 در شهرستان یزد متولد شد. پس از اخذ دیپلم به مکه مشرف شد و سپس به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران راه یافت. رساله دکترای خود را با عنوان «تمام برنامه‌های دانشکده پزشکی در اسلام» نوشت و با درجه ممتاز فارغ التحصیل شد. وی به زبان عربی آشنا بود؛ لذا مقدمات را نزد اساتید حوزوی آموخت و بیش از صد و ده جلد کتاب در معارف و پزشکی تحریر کرد که معروفترین آن‌ها، «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» بود. ایشان علاوه بر مکه و عراق به سوئیس، پاریس، لندن و برلین سفر کرد و تحقیقات فراوانی در این سفرها انجام داد.   او پس از انقلاب، به عنوان نماینده مردم یزد به مجلس شورای اسلامی راه یافت و همراه برادرش سید محمد در 7 تیر 1360 به شهادت رسید.   **17- سیدمحمد پاک‌نژاد:**در سال 1318 در یزد متولد شد. اجدادش از علمای طراز اول شهر و حوزه علمیه یزد بودند. وی دوره ابتدایی را در دبستان ملی اسلام و تحصیلات متوسطه را در یزد و تهران طی کرد. پس از اخذ دیپلم با توجه به علاقه‌ای که به مذهب داشت، لبنان را برای ادامه تحصیل و گذراندن دوره دانشگاهی انتخاب کرد. در لبنان همچنین از محضر امام موسی صدر کسب فیض کرد و برای ادامه تحصیل به آلمان و سوئیس رفت. دکترای خود را در رشته اقتصاد و پایان نامه ای تحت عنوان «مسائل اقتصادی در اسلام» اخذ کرد.   پس از پیروزی انقلاب به عنوان عضو هیئت مدیره کاغذ و چوب منصوب و خدمات صادقانه‌ای در جهت تهیه طرح‌های اقتصادی برای وزارت بازرگانی انجام داد و در فاجعه هفت تیر 1360 به شهادت رسید.   **18- رضا ترابی:** در سال 13366 در تهران متولد شد. خانواده‌ای فقیر در یکی از محلات جنوب شهر داشت و هنوز بیش از 13 سال نداشت که پدرش را از دست داد. در سال 13566 به دانشگاه صنعتی شریف راه یافت و در رشته برق به تحصیل پرداخت و عضو انجمن اسلامی دانشگاه شد.   پس از پیروزی انقلاب عضو حزب جمهوری اسلامی شد و مسوولیت تبلیغات شاخه دانشجویی حزب را بر عهده گرفت و در شامگاه هفتم تیر در انفجار دفتر مرکزی حزب به شهادت رسید.   **19- محمود تفویضی:**در سال 1326 در تهران متولد شد. خانواده‌ای متدین داشت و در رشته مهندسی راه و ساختمان از دانشکده پلی تکنیک فارغ‌التحصیل شد. در دوران رژیم طاغوت، از استخدام در دستگاه‌های دولتی اجتناب کرد و همگام با امت مسلمان ایران در جریانات انقلاب شرکت می‌کرد.  پس از پیروزی انقلاب به خدمت وزارت راه و ترابری درآمد و در استان خوزستان انجام وظیفه کرد و در دی‌ماه 1358 به معاونت وزارت راه و ترابری انتخاب شد. وی در هفتم تیر 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **20- عباس جهانبخشی:**در سال 1323 در تهران متولد شد. پس از 17 شهریور خونین، به همراه چند تن از همفکرانش، انجمن اسلامی مددکاران را به وجود آورد و رسیدگی به امور خانواده‌های شهدا، مجروحین و معلولین را دنبال کرد و در افشاگری علیه رژیم پهلوی، عزمی راسخ داشت.   پس از پیروزی انقلاب به ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران منصوب شد و به دعوت سازمان بهزیستی کشور، معاونت آموزش آن سازمان را بر عهده گرفت. وی سرپرستی ستاد تداوم امداد جبهه را نیز به عهده داشت و سرانجام در جمع شهدای هفت تیر، دعوت حق را لبیک گفت.   **21- علیرضا چراغزاده دزفولی:**در سال 1332 در اهواز به دنیا آمد. پدرش درودگری ساده بود و او کار و تحصیل را با هم دنبال کرد. پس از اخذ لیسانس در رشته حسابداری به استخدام شرکت نفت درآمد و یک سال بعد استعفاء نمود. نخستین مسوولیت او پس از انقلاب، بخشداری هفتگل بود و یک سال بعد در 27 سالگی به عنوان نماینده مردم هفتگل و رامهرمز به مجلس شورای اسلامی راه یافت. مقالات فراوانی در زمینه روش مطالعه و برداشت و روش سخنرانی از او را در دست است که یادگار دوران تحصل و تحقق اوست. وی در هفتم تیر 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **22- حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی:** در سال 13200 در شهر قم متولد شد. همراه علوم دینی، تحصیلات متوسطه  را به پایان برد و به قصد افشای رژیم و بیداری مردم عازم شهرها و روستاهای کشور شد. بعد از رسیدن به اجتهاد، موسسه فرهنگی «در راه حق» و «اصول دین» را بنیان گذارد و کتاب «اسلام پیشرو نهضت‌ها» را در همین ایام تالیف کرد. سپس به سازماندهی هسته‌های مبارزه در شهرهای مختلف کشور پرداخت و ساواک را از این کار به وحشت انداخت. مخفیانه به عراق و به دیدار امام شتافت و در بازگشت توسط ساواک دستگیر و ابتدا به اعدام و سپس به 12 سال زندان محکوم شد. او در طول زندان هرگز تقاضای ملاقات با خانواده‌اش را نکرد و عاقبت با اوج‌گیری انقلاب از زندان آزاد شد.   وی از جمله روحانیونی بودکه در دانشگاه تهران تحصن کرد و کمیته استقبال از امام را همراهی نمود، با ورود امام به ایران، دفتر تبلیغات اسلامی قم را تاسیس کرد و در اسفند1357به عنوان نماینده امام و ریاست دادگاه و حاکم شرع استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان عازم جنوب شد و به درخواست مردم از سوی امام(ره) امامت جمعه بندرعباس را پذیرفت. چندی بعد، طی حکمی از سوی امام، عضو شورای عالی تبلیغات اسلامی شد و اولین سرپرست و بنیانگذار سازمان تبلیغات اسلامی گردید. و عاقبت به همراه شهید مظلوم بهشتی در 7 تیر1360 به شهادت رسید.   **23- سیدمحمد باقر حسینی لواسانی:** در سال 13222 در تهران متولد شد. خانواده‌ای روحانی ساکن یکی ازمحلات  جنوب تهران – سنگلج – داشت. اجدادش از علما و مدرسین حوزه‌های علمیه بودند و مادرش او را حسین صدا می‌زد. در سال 53 بود که تخصص گوش و حلق و بینی را به پایان رساند و در شمیرانات به طبابت پرداخت. همزمان با تحصیل طب، دوره تربیت معلم را گذراند و علوم فقهی و فلسفه را نزد علمای بزرگ آموخت. از محل کار به علت فعالیت‌های مذهبی به دادگاه اداری فراخوانده شد و تا پیروزی انقلاب از کار منفصل گردید. وی همراه با دکتر واعظی به درمان مجروحین 17 شهریور پرداخت و اندکی بعد در 21 بهمن 1357 عازم تسخیر کلانتری‌ها شد. در 22 بهمن به اتفاق برادرش دکتر جعفر حسینی لواسانی، به بیمارستان رویال رفت و مداوای مجروحین نبردهای خیابانی را به عهده گرفت.   پس از پیروزی انقلاب به معاونت بهزیستی وزارت بهداشت برگزیده شد و با شهید فیاض بخش طرح سازمان بهزیستی را پی‌ریزی کرد و عاقبت در حالی که نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود، در فاجعه هفت تیر به شهادت رسید.   **24- حجت الاسلام محمدعلی حیدری:** در سال 13155 در قم به دنیا آمد. پدرش از علمای برجسته و مورد احترام منطقه غرب بود. در سن سی سالگی به درجه اجتهاد رسید و همگام با روحانیون در خرداد 13422 مبارزاتش را شروع کرد و دستگیر شد و به زندان قزل قلعه منتقل گردید. پس از فوت پدرش، به نهاوند رفت و در سال 1355 از سوی امام ماموریتی به لبنان داشت و با امام موسی صدر ملاقات کرد. در بازگشت دستگیر شد و به شهر بابک تبعید گردید.   در بازگشت از تبعید، با استقبال بی‌سابقه مردم نهاوند مواجه شد و مجدداً دستگیر و به زندان افتاد. در زمان بختیار در دانشگاه تهران تحصن کرد و پس از پیروزی انقلاب از سوی امام به عنوان امام جمعه نهاوند برگزیده شد. همزمان سرپرستی کمیته‌های انقلاب و حاکمیت شرع دادگاه‌های همدان را بر عهده گرفت. کمی بعد با آرای قاطع مردم همدان به مجلس رفت و عاقبت در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در 7 تیر 1360 به شهادت رسید.   **25- عباس حیدری:**در سال 1323 در یکی از روستاهای شیراز به دنیا آمد. با پایان بردن دوره دبیرستان به عنوان تکنسین مخابرات در وزارت پست و تلگراف استخدام شد. مبارزاتش را علیه رژیم پهلوی از همان روستا شروع کرد و با تعقیب و آزار ساواک به بوشهر منتقل شد.  در دوران پیروزی انقلاب، نقش مهمی در مخابره پیام‌های امام خمینی داشت و پس از پیروزی از سوی مردم بوشهر به نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزیده شد. وی در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **26- دکتر سیدشمس‌الدین حسینی نائینی:** در سال 13122 در سلطان نصیر نائین متولد شد. تحصیلاتش را در حالی  که از نعمت پدر محروم بود، ادامه داد و فوق لیسانس خود را از دانشکده الهیات و معارف اسلامی گرفت. برای نگارش رساله خود به هندوستان رفت و موضوعی تحت عنوان «فلسفه دعا و مقایسه ادعیه اسلام با سایر ادیان» را انتخاب و نوشت. وی با شهید رجایی و دیگر مبارزین در دبیرستان قدس آشنا شد و فعالیت‌های فرهنگی خود را با موسسه رفاه آغاز کرد. سپس با دکتر باهنر و شهید بهشتی در سازمان تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش همکاری داشت و موسسه خیریه ولی‌عصر، صندوق جاوید و جلسات تفسیر قرآن را راه‌اندازی کرد.   پس از پیروزی انقلاب به عنوان کارشناس امور دینی در وزارت آموزش و پرورش آغاز به کار کرد و سپس با رای قاطع مردم نتئین به مجلس شورای اسلامی رفت و سرانجام در شامگاه هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **27- حجت‌الاسلام سیدمحمدتقی حسینی طباطبایی:** در سال 13077 در زابل به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی  به قم و نجف مشرف شد و از محضر علمای بزرگ بهره گرفت. آنگاه به زابل بازگشت و اداره مدرسه علمیه امامت جماعت مسجد آن‌جا را پذیرفت. وی تلاش‌های فراوانی برای وحدت شیعه و سنی کرد و نقش مهمی در فرار مبارزان متعهد داشت. بارها ساواک به ضرب و شتم و اهانت نسبت به ایشان پرداخت و به تهران احضارش کرد.   وی در پیروزی انقلاب و هدایت مردم زابل، نقش ویژه‌ای داشت و پس از پیروزی به نمایندگی از مردم زابل به مجلس شورای اسلامی رفت و در آن‌جا یکی از ائمه جماعت مجلس بود و در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **28- مهندس حاجیان مقدم:** در سال 13333 در تهران متولد شد. در خانی‌آباد در خانواده‌ای متدین و مبارز بزرگ شد.  پدرش از همرزمان نواب صفوی بود. لیسانس مدیریت اقتصاد را از ایران و کارشناسی مدیریت مهندسی را از آمریکا گرفت. همراه با دانشجویان مسلمان در ایران و آمریکا بر علیه رژیم پهلوی فعالیت داشت، به طوری که در آمریکا دستگیر و در زندان اعتصاب غذا کرد. در سال 1359 در حالی که تحت تعقیب بود به کمک سازمان‌های آزادیبخش به میهن برگشت و خدمات خود را در ستاد کمک به مناطق جنگ زده آغاز کرد. بسیج اقتصادی کشور و دفتر طرح‌ها و بررسی‌های نخست‌وزیری از دیگر مراکز فعالیت او بودند. در حزب جمهوری اسلامی، مسوول آموزش واحد مهندسین حزب جمهوری اسلامی بود و همراه با شهید بهشتی و دیگر یاران امام در هفتم تیر 1360 جاودانه شد.   **29- محمد خوش زبان:**در سال 1340 در تهران متولد شد. در یک خانواده مذهبی بزرگ شد و تحصیلاتش را تا دیپلم ادامه داد و از دانش‌آموزان ممتاز و صاحب مطالعه دبیرستان بود. زندگی سیاسی اش را از همان زمان آغاز کرد و بعدها در جریان پیروزی انقلاب نقش پرشوری را عهده دار شد و در درگیری های بهمن 1357 به رزمندگان انقلاب، مهمات می رساند و در سقوط کلانتری‌ها مؤثر بود. بعد از پیروزی انقلاب به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد و به ترتیب سرپرستی منطقه، سرپرستی تبلیغات استان و مسوولیت انتظامات نماز جمعه و راهپیمایی را پذیرفت و در فاجعه هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **30- عبدالحمید دیالمه:**در سال 1332 در تهران متولد شد. فلسفه و منطق را نزد استاد شهید مطهری و تحصیلات جدید را در رشته پزشکی دانشگاه مشهد ادامه داد. در دوران دانشجویی، کتابخانه اسلامی خوابگاه دانشگاه مشهد را راه‌اندازی کرد و برای نخستین بار جلسات دعای کمیل را در کنار مبارزات سیاسی رایج ساخت. او جلسات سخنرانی پر باری با عنوان «صراط مستقیم» داشت که دانشجویان و مردم عادی با اشتیاق از آن استقبال می‌کردند.   بعد از اخذ دکتری، «مجمع تفکرات شیعی» را در تهران پایه‌گذاری کرد و مبارزات مؤثری را در برابر خطوط و تفکرات انحرافی پی‌گرفت. فعالیت‌های سیاسی‌اش در مشهد، او را به عنوان یک چهره مبارز و محبوب در میان مردم مشهور کرد و در حالی که تنها 29 سال داشت با اکثریت قاطع آراء مردم مشهد به مجلس شورای اسلامی راه یافت. او در شامگاه هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **31- حجت الاسلام سید محمد کاظم دانش:** در سال 13188 در دزفول متولد شد. در خانواده‌ای روحانی بزرگ شد و  بعد از تحصیلات ابتدایی به قم رفت. از آن‌جا برای تبلیغ تفکر سرخ شیعی به سراسر کشور سفر کرد. بارها به علت افشاگری‌هایش علیه رژیم ممنوع‌المنبر شد. با گروه‌های مبارز ارتباط تنگاتنگ داشت و دو کتاب «سیمای فداکاران» و «غازهای مهاجر» را به تحریر درآورد. پس از پیروزی انقلاب به شوش رفت و سرپرست کمیته و امام جمعه آن‌جا شد. با درایت و توان مدیریتی خاص در آن منطقه مرزی تفاوت‌های قوی و اختلافات گروهی مردم را حل و فصل کرد و سلاح‌هایی که در جریانات انقلاب به دست مردم افتاده بود، جمع آوری و در خدمت توان نظامی سپاه و کمیته در آورد. پس از مدتی از سوی مردم شوش و اندیمشک به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در شامگاه 7 تیر 1360 به فیض شهادت نائل آمد.   **32- حجت‌الا سلام دکتر غلامرضا دانش:** در سال 13099 در آشتیان به دنیا آمد. دروس حوزوی و دانشگاهی را باهم  ادامه داد و در حوزه در حجره شهید بهشتی و دکتر مفتح اقامت داشت. دکترای خود را در الهیات تحصیل کرد و پس از آن به معلمی مشغول شد. وی از بنیانگذاران موسسه فرهنگی قدس و مدیر دبیرستان جهان‌آرا بود. مبارزاتش را از همان دوران طلبگی شروع کرد و بارها توسط ساواک دستگیر و تعقیب شد. پیش از پیروزی انقلاب و در 17 شهریور، دخترش محبوبه دانش، در جریان تظاهرات به شهادت رسید.   او بعد از پیروزی انقلاب برای ایجاد تغییر و دگرگونی در مدارس ایرانی خارج از کشور به ترکیه و سپس امارات متحده عربی سفر کرد و در بازگشت، از طرف مردم تفرش و خلجستان به مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی عاقبت در شامگاه هفتم تیر 1360 به فیض شهادت نائل آمد.   **33- علی اکبر دهقان:**در سال 1327 در تربت جام زاده شد. در خانواده‌ای کارگر و مهاجر که از یزد به آن‌جا آمده بود، بزرگ شد و دیپلم طبیعی و فوق دیپلم ریاضی را اخذ و بلافاصله به تدریس در دبیرستان‌های شهرش پرداخت. در همان ایام انجمن مبارزه با بهائیت را پایه‌گذاری کرد و در کنار آن صندوق قرض الحسنه المهدی(عج) را به گونه‌ای آبرومند تاسیس و اداره کرد.   بارها از سوی ساواک مورد هجوم واقع شد و در جریانات انقلاب به عنوان پیشرو و خط دهنده شهرت یافت. با برگزاری نخستین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم تربت جام به مجلس رفت و در شامگاه هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **34- علی درخشان:**در سال 1319 در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به ضرورت مبارزه علیه رژیم پی برد و از با سابقه‌ترین مبارزین انقلاب بود. سی سال در کار تدارکات و تهیه امکانات برای مبارزین متعهد و تامین هزینه اقدامات علیه حکومت پهلوی بود. بخش اعظم مخارج راهپیمایی‌های عظیم سال 1357 و اغلب خیریه‌های سیای و خدماتی اجتماعی را به عهده داشت و بسیار مورد اعتماد شهید بهشتی، استاد مطهری و آیت‌الله طالقانی بود. با این همه تمکن مالی، هرگز خانه‌ای برای خود تهیه نکرد و با شروع فعالیت حزب جمهوری اسلامی، انجام مسوولیت امور مالی حزب را بر عهده گرفت. وی سرانجام در فاجعه هفت تیر به جمع شهدا پیوست.   **35- حجت الاسلام سیدفخرالدین رحیمی:** در سال 13233 در شهر خرم‌آباد به دنیا آمد. جدش از علمای بزرگ شهر بود و او به همراه برادرش برای کسب علوم حوزوی به قم رفت. در سال 13411 و در ماجرای فیضیه قم در حالی که مشغول چسباندن اعلامیه بود، دستگیر و به زندان رفت. پس از آزادی مبارزاتش را پی‌گرفت و برای بار دوم به جرم کندن تابلوی خیابان ششم بهمن، به زندان رفت. او یک بار دیگر نیز به جرم اهانت به اشرف پهلوی زندانی شد و مجموعاً 18 ماه در حبس به سر برد. او هر بار پس از آزادی، کار مبارزه را جدی‌تر آغاز می‌کرد و عاقبت ممنوع‌المنبر و از آنجا به ایرانشهر و از آن‌جا به اقلید فارس تبعید شد. در بازگشت از تبعید فعالیت‌های مذهبی و مبارزاتی را در مسجد علوی ادامه داد که بعدها آن‌جا مقر کمیته‌های انقلاب شد.   در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم ملاوی به مجلس راه یافت و در هفتم تیر 1360 به فیض شهادت نائل آمد.   **36- محمد رواقی:** در سال 13288 در شهر مقدس مشهد به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات متوسطه، وارد مدرسه  عالی بازرگانی شد. در اوج خفقان و حکومت زور، انجمن اسلامی دانشکده را تاسیس کرد و تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. بر اثر شکنجه‌های فراوان، شنوایی‌اش مختل شد و در همان حال و به محض آزادی برای اخذ فوق لیسانس مدیریت و بازرگانی به دانشگاه ایالتی ادموند آمریکا رفت.   پس از پیروزی انقلاب به ایران آمد و نخست عضو هیات مدیره و سپس مدیر عامل شرکت فرش ایران شد. وی سرانجام در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **37- مهندس توحید رزمجومین:** در سال 13300 در تهران متولد شد. در حالی که خانواده‌اش از نظر اقتصادی در تنگنا بود، کار و تحصیل را با هم دنبال کرد و در سال 13566 موفق به اخذ لیسانس صنایع شد. به علت عقاید و مبارزاتی که داشت به عنوان سرباز صفر به «چهل ذختر» تبعید شد و در دوران انقلاب از پادگان فرلر کرد.   پس از پیروزی انقلاب، مدیر داخلی شرکت سار اول شد و با سمت عضویت در هیات مدیره گروه صنعتی ملی به آن‌جا رفت. او بر اثر یک طرح از پیش تعیین شده توسط گروهک‌ها به گروگان گرفته شد اما با دخالت کمیته و سپاه آزاد گردید و سرانجام در شامگاه هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **38- حجت الاسلام حسن سعادتی:** در سال 13355 در نیشابور متولد شد. در یک خانواده روحانی پرورش یافت و برای  کسب علوم حوزوی ابتدا به مشهد و سپس به قم عزیمت کرد. در مشهد با روحانیون جوان و مبارز آشنا گشت و در اعتراض به تعطیل کردن حوزه درسی آیت‌الله خامنه‌ای، دستگیر شد.   در روزهای پیروزی انقلاب، با رژیم به مبارزه پرداخت و از اعضای کمیته استقبال از حضرت امام بود. در تابستان 1358 به حزب جمهوری اسلامی پیوست و برای مدتی به مازندران رفت و در بهمن 1359 به همراه هیاتی از ایران به کشورهای فیلیپین و مالزی سفر کرد. وی عاقبت در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **39- جواد سرحدی:** در سال 13177 در سنقر کلیائی متولد شد. پدری کاسب و خانواده ای مذهبی داشت. او کار و  تحصیل را با هم دنبال کرد و پس از اخذ دیپلم مبارزاتش را علیه رژیم آغاز کرد. وقتی تحت تعقیب قرار گرفت به خارج از کشور رفت و در آن‌جا تهدید به مرگ شد. ساواک تمام اموال و دارایی‌اش را در داخل ضبط کرد. به سختی و در حالی که به شدت محدود شده بود، لیسانس اقتصاد را از دانشگاه هوستون آمریکا گرفت و پس از پیروزی، امین دولت جمهوری اسلامی در کنسولگری آنجا شد.   در مراجعت به ایران، طی حکمی از سوی نخست وزیر، شهید رجایی به سمت مدیر عامل سازمان تعاون شهر و روستا منصوب شد و سرانجام در 7 تیرماه 1360 در فاجعه هفت تیر به شهادت رسید.   **40- جواد سرافراز:**در سال 1332 در تهران متولد شد. پدرش مؤسس دبستان اسلامی ولی عصر و دبیرستان جهان آراء و از روحانیون مبارزی بود که سالها در زندان رژیم شکنجه و مورد اهانت واقع شده بود.  سرافراز در دانشگاه‌های انگلیس و هند در رشته جامعه‌شناسی ادامه تحصیل داد و انجمن‌های اسلامی را در آن‌جا پایه‌گذاری کرد و به عنوان نماینده انجمن‌های اسلامی مقیم بنگلور هند به خدمت امام در پاریس رسید. در سال 1357 همراه با مردم در نبردهای خیابانی علیه رژیم شرکت کرد و در تسخیر کلانتری ها نقش برجسته‌ای داشت.   بعد از پیروزی انقلاب، عضو حزب جمهوری اسلامی شد و همچون بازویی برای شهید بهشتی بود. وی سرپرستی منطقه 11، ریاست و مسوولیت آموزش و عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری را بر عهده داشت. به علاوه، مدیر مسوولی شرکت رایانه و مسوولیت روابط عمومی شرکت «ایزایران» وابسته به وزارت دفاع را نیز بر عهده گرفت و سرانجام در هفتم تیرماه 1360 به شهادت رسید.   **41- علی‌اکبر سلیمی جهرمی:**در سال 1317 در جهرم به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم، به معلمی پرداخت و کمی بعد لیسانس زبان انگلیسی خود را از دانشگاه تهران اخذ کرد. در تظاهرات معلمان و اعتصابات معلمان (به رهبری شهید دکتر خانعلی) شرکت نمود و در همین رابطه از طرف ساواک به دزفول تبعید شد و سال‌ها مجبور بود برای ادامه تحصیل در دانشگاه تهران، هر هفته سه روز به تهران بیاید. وی مبارزات سیاسی خود را همراه با گروه شهید رجائی، دستغیب و دکتر اسدی لاری ادامه داد و در سال 1357 در سفری به پاریس، توفیق ملاقات با امام (ره) را پیدا کرد.   بعد از پیروزی به عنوان مدیر کل آموزش و پرورش تهران و ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریز، شروع به خدمت کرد و بعد به عنوان دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور برگزیده شد. وی عاقبت در هفتم تیر ماه 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **42- سیدمحمد جواد شرافت:** در سال 13066 در شوشتر و در خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات به معلمی و تدریس مشغول شد و به دنبال درگیری و مبارزه با رژیم به اهواز تبعید شد و در 15 خرداد 13422 و در پی یک سخنرانی دستگیر و به تهران فرستاده شد. پس از ورود به دانشگاه تهران، در سال 1345 با همکاری جمعی از معلمان متعهد آموزش و پرورش همچون شهید رجائی، برنامه تظاهرات و اعتصابات معلمان ایران را تدارک دید که باعث تبعید وی به بیدخت گناباد و سپس چالوس، کرج و دوباره تهران شد. یکبار هم ساواک نقشه قتل او را طرح ریزی کرد که با بیماری او عقیم ماند.   پس از پیروزی انقلاب، ابتدا مشاور وزیر آموزش و پرورش و عضو هیات رییسه بنیاد فرهنگی البرز و سپس از سوی مردم شوشتر به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. دو کتاب «فاطمه (ع)» و «مردگان با ما سخن می‌گویند» از او به یادگار مانده است. وی سرانجام در فاجعه هفت تیر 1360 به شهادت رسید.   **43- مهندس عباس شاهوی:**در سال 1332 در محله قنات آباد تهران متولد شد. با علاقه و استعداد فراوانی تحصیل را شروع کرد و پس از اخذ دیپلم، ابتدا تصمیم گرفت به حوزه علمیه برود اما بعد به دانشگاه رفت و سرانجام فوق لیسانس مدیریت بازرگانی را از آمریکا اخذ کرد.پس از پیروزی انقلاب، ابتدا در کمیته‌های انقلاب و بعد مدیریت گروه صنعتی فولاد ایران و نیز مدیرعامل مرکز تهیه و توزیع فلزات، خدماتش را آغاز کرد. کنترل شدید ارز و کمک به تحقق عصل 44 قانون اساسی از جمله خدمات ارزنده او بود. وی سرانجام در هفتم تیر 1360 به همراه 72 تن از یاران امام جاودانه شد.   **44- میربهزاد شهریاری:** در سال 13333 در بهشهر متولد شد. در خانواده‌ای روحانی پرورش یافت. تحصیلات عالی خود  را در دانشگاه مشهد و در رشته الهیات و معارف اسلامی پی گرفت. همزمان در حوزه از محضر اساتیدی چون حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده کرد و در دوران سربازی نقش ویژه‌ای در ارشاد افسران و سربازان داشت و همراه عده‌ای از پادگان فرار کرد و به قم رفت. در بازگشت به زادگاهش، راهپیمایی عظیمی را ترتیب داد.   پس از پیروزی به آموزش و پرورش رفت و اندکی بعد به عنوان نماینده مردم رودباران به مجلس راه یافت. وی سرانجام در هفتم تیر 1360 در حالی که تنها 27 سال داشت به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **45- ایرج شهسواری:** در سال 13255 در بیجار متولد شد. تحصیلات خود را در بیجار و سنندج تا پایان سیکل ادامه داد و  بیجار به عنوان معلم روزمزد به تدریس مشغول شد. پس از اخذ دیپلم، تحصیلات دانشگاهی را تا اخذ فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ادامه داد.  پس از پیروزی انقلاب و در شهریور 1358 ابتدا معاون آموزش و پرورش منطقه 12 و سپس رییس ناحیه 13 شد. اندکی بعد به معاونت اداری مالی وزارت آموزش و پرورش منصوب شد و در هفتم تیر 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **46- حجت الاسلام دکتر قاسم صادقی:** در سال 1315 در گرمه بجنورد متولد شد. در 122 سالگی به حوزه علمیه  مشهد رفت و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا دکترای فقه و حقوق اسلامی ادامه داد و سپس به عنوان استاد در دانشگاه تدریس را شروع کرد. بارها به مکه، عتبات عالیات، سوریه و لبنان رفت و دو کتاب «مبداء» و «معاد» از آثار به جای مانده از اوست.  با پیروزی انقلاب اسلامی، به نمایندگی از سوی مردم مشهد به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در هفتم تیرماه 1360 به همراه 72 تن از یاران امام به شهادت رسید.   **47- حجت الاسلام محمدحسین صادقی:** در سال 1302 در لرستان متولد شد. در 188 سالگی به حوزه علمیه قم رفت و در قیام 15 خرداد 13422، شرکت فعالانه داشت. فریادهای «ما پیرو قرآنیم – رفراندوم نمی‌خواهیم» او و نطق پرشوری که ایراد کرد، سبب شد، همان روز دستگیر و راهی زندان شود. پس از آزادی از زندان، پیام‌های امام خمینی(ره) را به روستاهای اطراف می‌برد و همین باعث دستگیری مجدد وی شد.   پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسوولیت کمیته‌های ازنا را بر عهده گرفت و به ریاست دادگاه انقلاب انتخاب شد. در انتخابات مجلس شورای اسلامی با کسب آرای مردم ازنا به مجلس راه یافت و عاقبت در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **48- حجت‌الاسلام محمدحسن طیبی:**در سال 1310 در روستای روئین اسفراین به دنیا آمد. در ده سالگی پدرش را که یک روحانی بود، از دست داد و به مشهد عزیمت کرد. پس از طی مراحل سطح به اسفراین برگشت. مبارزاتش را از سال 1356 گسترش داد و ساواک به شدت برنامه‌های او را تحت کنترل گرفت و یک بار هم بطور مسلحانه به او حمله کرد.  پس از پیروزی انقلاب، به نمایندگی از طرف مردم اسفراین به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در هفتم تیر 1360 به فیض شهادت نائل آمد.   **49- حجت‌الاسلام حاج سیدنورالله طباطبائی‌نژاد:** در سال 13199 در ظفرقند اردستان متولد شد. پدرش از علمای  حوزه بود و او معارف و علوم اولیه را نزد ایشان آموخت. سپس به قم رفت و در آن‌جا بیش از بیست سال به تحصیل و تدریس پرداخت، حاصل این ایام هشت جلد تفسیر نمونه بود که به اتفاق جمعی از طلاب فاضل به چاپ رساند. در سال 1349 ممنوع‌المنبر شد و یک سال قبل از انقلاب دستگیر و به زندان افتاد. آزادی او همزمان با اوج تظاهرات و قیام مردم بود. وی به شهرهای مختلفی سفر و سخنرانی‌های پرشوری ایراد کرد.   پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی مردم اردستان به نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزیده شد و سرانجام در هفتم تیر 1360 به فیض شهادت نائل شد.   **50- سیف‌الله عبدالکریمی:**در سال 1312 در کومله متولد شد. خانواده‌ای کشاورز و متدین داشت از همین رو، پس از دبستان به قم رفت و علوم حوزوی را پی گرفت. همزمان تحصیلات دبیرستانی و سپس دانشگاهی را دنبال کرد و درجه فوق لیسانس در رشته فلسفه و حکمت اخذ کرد. به علت نپذیرفتن بورسیه رژیم به بدترین نقاط کشور به عنوان سرباز فرستاده شد. بعد از خدمت دو سال در مدرسه عالی مدیریت گیلان، معارف اسلامی و تاریخ فرهنگ و تمدن ایران را تدریس کرد و سپس به مشهد انتقال یافت و در آن‌جا به علت مبارزات سیاسی‌اش از دانشگاه اخراج شد.   در روزهای پیروزی انقلاب و با سقوط کلانتری‌ها، از سلاح و تجهیزات شهربانی حفاظت کرد و پس از پیروزی انقلاب، مسوول کمیته شهر لنگرود شد. چندی بعد از طرف مردم لنگرود به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و در فاجعه هفتم تیر 1360 به فیض شهادت نائل شد.   **51- دکتر حسن عباسپور:** در سال 13233 در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و لیسانس، فوق  لیسانس الکترومکانیک را از دانشگاه تهران و دکترای برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های انرژی زا را از دانشگاه لندن اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران، شبکه ارتباطی میان اساتید متعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی را به وجود آورد و به همراه دانشجویان مسلمان، مبارزاتش را علیه رژیم آغاز کرد. وی از استادان هسته اولیه سازمان ملی دانشگاهیان و موسس جامعه اسلامی دانشگاهیان بود. با پیروزی انقلاب، از سوی شورای انقلاب به سمت وزارت نیرو منصوب شد و اعضاء حزب جمهوری اسلامی بود که در هفتم تیر ماه 1360 به شهادت رسید.   **52- دکتر حسن عضدی:** در سال 13255 در رشت متولد شد. عالی‌ترین مدارج علمی را در دانشگاه‌های معتبر دنیا  کسب کرد به گونه‌ای که لیسانس روزنامه‌نگاری، روابط عمومی و تبلیغات، فوق لیسانس دانشکده علوم سیاسی، لیسانس مدیریت بازرگانی با تخصص مدیریت بین‌المللی از دانشگاه داگلاس آمریکا و دکترای اقتصاد سیاسی همان دانشگاه را اخذ کرد و عضو افتخاری انجمن مدیران شد.   پس از پیروزی انقلاب، در دانشگاه گیلان به تدریس مشغول شد و به عنوان نماینده استان گیلان در مجلس خبرگان انتخاب شد و در آن‌جا عضو هیات رییسه بود. شاخه گیلان حزب جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کرد و سرپرستی مدرسه عالی ترجمه را به عهده گرفت و سپس سرپرست مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی شد. او همچنین مسوولیت‌های فرهنگی و آموزشی فراوانی را به طور همزمان عهده‌دار شد و شورای وحدت حوزه و دانشگاه را فعال کرد. معاونت وزارت فرهنگ و آموزش عالی از دیگر مسوولیت‌های او بود و سرانجام در شامگاه هفت تیر 1360 به شهادت رسید.   **53- علی اکبر فلاح:** در سال 13199 در قزوین به دنیا آمد. در خانواده‌ای متدین پرورش یافت و پس از تحصیلات متوسطه، فوق دیپلم تاسیسات گرفت و مبارزات سیاسی خود را در واقعه 15 خرداد 13422 آغاز کرد و در تمام سال‌های اختناق رژیم پهلوی به اعتراض و ابراز حقایق می‌پرداخت.  پس از پیروزی انقلاب، دبیر دبیرستان کامران شد و در تعطیلات نوروزی 1360به جبهه رفت و در بازگشت از جبهه، در هفتم تیر 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.   **54- دکتر محمدعلی فیاض بخش:** در سال 13166 در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ای خیر و مذهبی داشت. و پس از  اتمام تحصیلات متوسطه، تحصیلات عالی خود را تا اخذ دکترا در تخصص جراحی ادامه داد و چهار سال رایگان طبابت کرد. پیش از 17 شهریور کمک‌های اولیه پزشکی را به انقلابیون آموزش می‌داد و در جمعه خونین به مداوای مجروحین می‌پرداخت.   پس از پیروزی انقلاب، در آبان 1358 کمیته آسایشگاه معلولین انقلاب را تاسیس کرد و مدتی بعد مدیرکل توانبخشی وزارت بهداری شد و لایحه سازمان بهزیستی را به کمک شهید لوسانی به شورای انقلاب برد. کمیته امداد امام خمینی از دیگر یادگارهای اوست. وی یکی از سه پزشک گروه هفت نفره منتخب و رابط امام در انقلاب فرهنگی بود و سرانجام در فاجعه هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **55- دکتر محمود قندی:** در سال 13233 در تهران متولد شد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای مهندسی برق و  الکترونیک و با رتبه عالی از آمریکا ادامه داد و از موسسین انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا و یکی از شاگردان علامه طباطبایی و استاد مطهری بود. وی دروس حوزوی را نیز تا خارج از فقه دنبال کرد. در بازگشت به ایران، تدریس در دانشگاه تهران و دانشکده مخابرات را شروع کرد هنگام اوج‌گیری انقلاب به علت پخش اعلامیه‌های حضرت امام دستگیر و به زندان افتاد.   پس از پیروزی انقلاب به ریاست دانشکده مخابرات منصوب شد و سپس از سوی شورای انقلاب به وزارت پست و تلگراف انتخاب شد و سرانجام در هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **56- حجت‌الاسلام عبدالوهاب قاسمی:** در سال 13122 در سوادکوه به دنیا آمد. پدرش روحانی بود و علوم حوزوی را  از همان جا آغاز کرد. سپس در محضر اساتید بزرگتحصیل کرد و به درجه اجتهاد رسید. نطق‌های کوبنده او در زمان انقلاب و پیش از آن به سبکی خاص و جاذب مشهور بود. در 15 خرداد 1342 دستگیر شد و به خدمت اجباری فرستاده شد. در پادگان یک افسر پزشک به علت ضعف چشم معافش کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نمایندگی از طرف مردم‌ساری به مجلس شورای اسلامی راه یافت و سرانجام در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **57: موسی کلانتری:** در سال 13277 در مرند متولد شد. با پایان دوره متوسطه به دانشگاه راه یافت و فوق لیسانس راه و ساختمان را از دانشگاه تهران اخذ کرد. درسال 13577 در حالی که تظاهرات و اعتراض مردم در اوج خود قرار داشت، کار را رها کرد و به مبارزه مسلحانه علیه رژیم پرداخت.  پس از پیروزی انقلاب، در کمیته‌های شهر، عهده‌دار حراست و نگهبانی از دستاوردهای نهضت شد و در سال 1358 اداره راه خوزستان و سپس آذربایجان غربی را فعال کرد. اندکی بعد از سوی شورای انقلاب به وزارت راه و ترابری برگزیده شد و سرانجام در هفتم تیر 1360 در جمع یاران امام به شهادت رسید.   **58- حجت الاسلام عماد الدین کریمی:** در سال 13111 در حوالی نوشهر به دنیا آمد. پدرش روحانی بود و او پس از  اخذ دیپلم به حوزه‌های مشهد و قم رفت و مدارج علوم اسلامی را به سرعت گذراند. ارشاد و افشاگری‌های او مردم نوشهر را به اعتراض و شورش علیه رژیم فاسد آن‌ها وا داشت، لذا ساواک او را تعقیب، دستگیر و بازجوییکرد و او ناگزیر شبانه از منطقه هجرت کرد.  پس از پیروزی انقلاب، از سوی مردم نوشهر به نمایندگی اولین دوره مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و سرانجام در هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **59- محسن مولائی:** در سال 13399 در تهران متولد شد و در خانواده‌ای مذهبی و ساکن جنوب شهر پرورش یافت.  تحصیل و کار را با هم دنبال کرد و از همان آغاز به ضرورت مبارزه با رژیم وقوف یافت. فعالیت‌های فرهنگی‌اش را با ایجاد نمازخانه در دبیرستان و راه‌اندازی گروه تئاتر و نمایشگاه عکس آغاز کرد.  پس از پیروزی در کمیته‌های انقلاب فعالانه شرکت کرد و با عضویت در حزب جمهوری اسلامی، دفتر منطقه هشت را تاسیس نمود. وی سرانجام در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه 1360 به شهادت رسید.   **60- حجت الاسلام محمد منتظری:** در سال 13233 در نجف‌آباد اصفهان به دنیا آمد.از محضر اساتیدی چون آیت‌الله داماد، آیت‌الله مشکینی و حضرت امام بهره گرفت و در سال 13444 به خاطر مبارزاتش علیه رژیم به زندان قزل قلعه رفت و پس از آزادی به تدریس در حوزه پرداخت. در یک رویارویی با ماموران حکومت از دست آن‌ها گریخت و از ایران خارج شد. ده سال دور از ایران بود و در نجف به محضر امام(ره) رسید و از آن‌جا به لبنان رفت و در پایگاه الفتح، آموزش‌های مدرن چریکی دید سپس با امام به پاریس رفت و از آن‌جا به ایران بازگشت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ابتکارات اوست. وی مجله عربی زبان «الشهید» را برای صدور انقلاب به کشورهای خلیج فارس منتشر کرد. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم نجف آباد انتخاب شد و سرانجام در فاجعه هفت تیر 1360 به شهادت رسید.   **61- مهندس علی محمد مجیدی:** در سال 13255 در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. در پنج سالگی پدرش را از دست داد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرهای کرمانشاه و خرم‌آباد به پایان رساند و در سال 13499 از دانشگاه تهران، مهندسی راه و ساختمان خود را اخذ کرد. در سال 1357 در تظاهرات مردمی شرکت کرد و با پیروزی انقلاب به عضویت حزب جمهوری اسلامی در آمد. در مهر ماه 1358 معاون عمرانی استاندار تهران شد و در شهریور 1359 مدتی به جبهه‌های غرب رفت و پس از مراجعت به تهران از تاریخ 13 /2 /60 به عنوان مشاور عمرانی وزارت کشور مشغول به کار شد و سرانجام در فاجعه هفت تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **62- حبیب‌الله مهدیزاده طالعی:** در سال 13300 در یک خانواده متوسط مذهبی در تبریز به دنیا آمد. دوران ابتدایی خود را در مدرسه ایرانشهر و دوره دبیرستان را در دبیرستان‌های ثقة الاسلام و فردوسی تبریز به پایان رساند و در سال  1350 در رشته مدیریت اقتصاد از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. پس از فاجعه 17 شهریور تنفرش نسبت به رژیم پهلوی بیشتر شد و با دوستانش شروع به فعالیت‌هایی علیه رژیم کرد.  پس از پیروزی انقلاب، مدتی در کمیته جمشیدآباد فعالیت کرد و سپس به جهاد سازندگی رفت و سرانجام در هفتم تیرماه 1360 به شهادت رسید.   **63- غلامعلی معتمدی:** در سال 13277 در شیراز متولد شد. در خانواده ای مذهبی پرورش یافت. وی نوه دختری  آیت‌الله سیدعبد الحسین آیت‌اللهی از علمای بزرگ فقاهت بود. تحصیلات خود را تا اخذ مهندسی مکانیک از دانشکده فنب دانشگاه تهران ادامه داد و در تمام دوران تحصیل مبارزه علیه رژیم را دنبال کرد.   پس از پیروزی انقلاب، به عنوان مشاور اقتصادی استانداری اصفهان منصوب شد . بعد به سرپرستی وزارت کار رسید. بنی صدر با وزارت او مخالفت کرد و سرانجام به معاونت رفاه و تعاون وزارت کار منصوب شد و بلافاصله طرح رفاه کارگران را تهیه و به وزارتخانه پیشنهاد داد. در هفتم تیرماه 1360 وی نیز همراه 72 تن از یاران امام به شهادت رسید.   **64- جواد مالکی:** در سال 13155 در تهران متولد شد و در خانواده‌ای مذهبی در جنوب تهران پرورش یافت. پس از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال 13500 وارد دانشگاه تربیت معلم شد و در رشته فیزیک به تحصیل پرداخت. در مبارزاتش علیه رژیم پهلوی، همراه شهید دکتر مفتح در مسجد جاوید به فعالیت های مذهبی و روشنگرانه پرداخت و در برگزاری نماز عید فطر 1357 نقش مؤثر و اساسی داشت. در کمیته استقبال از امام نیز عضویت داشت.   پس از پیروزی انقلاب در ایجاد هسته های اولیه کمیته های شهری، تلاش فراوانی کرد. اندکی بعد عضو حزب جمهوری اسلامی شد و به شورای مرکزی حزب راه یافت و سرانجام در شامگاه هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **65- حبیب الله مالکی:** در سال 13344 در تهران متولد شد. خانواده مذهبی وی در محله قدیمی و معروف بازارچه نایب  السلطنه سکونت داشتند. وی پس از اخذ دیپلم به مراکز مذهبی و جلسات درسی شهید بهشتی قدم گذاشت و از آن پس با جریان مبارزه آشنا شد.   در نماز عید فطر 1357 و کمیته استقبال از امام(ره) فعالیت مستقیم داشت و بعد از پیروزی انقلاب و در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری بازوی توانایی برای وزارت کشور بود. اندکی بعد به فرمانداری ایرانشهر منصوب شد و حدود شش ماه در این مسوولیت خدمت کرد و عاقبت در کنار 72 تن از یاران امام در فاجعه هفتم تیر 1360 به شهادت رسید.   **67- سید محمد موسوی فر:**در سال 1337 در نیشابور متولد شد. پدری روحانی و متقی داشت و نخستین درسهای علمی و اخلاقی را از او آموخت. در 13 سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شد و کمی بعد به صف طلاب مبارز پیوست. در تظاهرات روزهای نخست انقلاب شرکت داشت و خطابه های فراوانی در روستاهای اطراف مشهد ایراد کرد.  پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت حزب جمهوری اسلامی در آمد و فعالیتهای ارزنده ای در این تشکیلات ارائه داد و سرانجام در انفجار دفتر مرکزی حزب در هفتم تیرماه 1360 به شهادت رسید.   **68- محمدحسین محمد عینی:** در سال 13300 در قم متولد شد. در خانواده ای کم درآمد پرورش یافت و کار و تحصیل  را با هم دنبال کرد و دیپلم گرفت. با مشاهده سیاستهای جابرانه رژیم، به مبارزه روی آورد. در کمیته استقبال از حضرت امام عضویت داشت و انتظامات بهشت زهرا را به عهده گرفت. سپس حفاظت و نگهداری از انبارهای اسلحه زمان انقلاب را به خوبی انجام داد.  پس از پیروزی انقلاب، به استخدام سازمان گسترش صنایع و معاون در آمدو از آنجا به بخش اداری مجلس شورای اسلامی رفت و در آنجا به خدمت پرداخت. سرانجام در شامگاه هفتم تیر 1360 به همراه دیگر یاران امام به شهادت رسید.   **69- حجت الاسلام سید کاظم موسوی:** در سال 13144 در حسین آباد میامی از توابع شاهرود به دنیا آمد. نخستین دروس حوزه را نزد جدش اموخت و در 133 سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و در محضر آیت الله میلانی حضور یافت. در 24 سالگی به تصحیح و تحشیه «بهار الانوار و ارشاد» شیخ مفید و «مقنیات الدور و ادب الغس و شواهد» و «مجمع البیان» پرداخت. از سال 1342 مجلات «عربی آسان» برای طلاب و دانشجویان منتشر کرد و در سال 1350 فوق لیسانس زبان عربی را گرفت و همان زمان مدرسه راهنمایی و دبیرستان دخترانه روشنگر را تاسیس کرد.   پس از پیروزی انقلاب، نماینده امام در وزارت آموزش و پرورش و مشاور عالی این وزارت خانه و عضو دادگاه تجدید نظر اداری شد و سرانجام به معاونت پژوهش وزارت آموزش و پرورش انتخاب شد و شامگاه هفتم تیر 1360 در جمع یاران امام به شهادت رسید.   **70- حبیب الله مهمانچی:**در مرداد 1329 در تهران متولد شد. در خانواده ای مذهبی و متعهد پرورش یافت و تحصیلات خود را تا گرفتن فوق لیسانس مدیریت بازرگانی از آمریکا دنبال کرد. در آنجا با دانشجویان مذهبی ارتباط نزدیک داشت و در مبارزاتش علیه رژم شرکت می کرد.  پس از بازگشت به ایران و پیروزی انقلاب در بنیاد مستضعفان شروع به کار کرد و سپس به نهادهای دیگر در امور فرهنگی کمک رساند. اندکی بعد به عنوان معاون پارلمانی و هماهنگی وزارت کار برگزیده شد و سرانجام در هفتم تیر ماه 1360 به همراه جمعی از یارن امام به شهادت رسید.   **71- عباسعلی ناطق نوری:** در سال 13144 متولد شد. اگرچه مدتی از آموختن علم به دور بود اما عاقبت به علوم  حوزوی و تحصیل در امور دینی رو آورد و مدرس قرآن شد. با گروه های موتلفه و همراه شهید بهشتی و استاد مطهری فعالیت سیاسی اش را شروع کرد و با برادرش در راه اندازی شبکه های ده نفره نقش موثر داشت.   بارها با اسم مستعار سخنرانی کرد و عاقبت توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. در سال 1357 به یکی از مخفیگاه های گروهی که با آنها کار می کرد، حمله کردند و عده ای از جمله فرزندش را به زندان بردند که مدتی بعد از زندان گریخت و رژیم حکم تیرش را صادر کرد.  پس از پیروزی انقلاب، از سوی مردم نور به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و سرانجام در هفتم تیرماخ 1360 به شهادت رسید.   **72- مهدی نصیری لاری:** در سال 13122 در سیرجان متولد شد. با از دست دادن پدر تحصیلات را به سختی دنبال کرد  و از دانشسرای عالی تربیت معلم فارغ التحصیل شد. با پایان تحصیلات به تعلم و تدریس در مساجد و مدارس پرداخت و مبارزاتش را از همان زمان آغاز کرد. رژیم او را به اصفهان تبعید و عاقبت بازنشسته‌اش کرد.  پس از پیروزی انقلاب، فرماندار سیرجان شد و اندکی بعد در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم لارستان انتخاب شد و سرانجام در هفتم تیر 1360 به جمع شهدای انقلاب پیوست.   **73- حجت الاسلام علی هاشمی سنجابی:** درسال 12900 در سنجان متولد شد. پدرش کشاورز بود. او از کودکی به حوزه علمیه روی آورد و به عالمی متفکر، دانشمندی متعهد، عارفی کامل و شاعری توانا تبدیل شد.   از آیات عظام حجت، ابوالحسن اصفهانی، بروجردی، حکیم، شیرازی، گلپایگانی و امام خمینی اجازه اجتهاد گرفت و به تدریس در حوزه های علمیه پرداخت. مبارزاتش با رژیم سبب شد تحت تعقیب ساواک قرار گیرد و چند سال از منبر رفتن منبع شود. با پیروزی انقلاب از طرف مردم اراک به نمایندگی انتخاب شد و در هفتم تیر 1360 همراه شهید بهشتی و دیگر یاران امام به شهادت رسید.   در فاجعه هفتم تیر ماه علاوه بر شهدایی که ذکر شد، تعدادی از حاضران در جلسه هفتم تیر ماه حزب جمهوری اسلامی، مجروح شدند که اسامی آنها به این شرح می باشد: ابوالفضل اجاره دار، حجت الاسلام علی اصغر باغانی، ابراهیم تاج گردون، علی موسی رضا، سید منصور رضوی، ایرج صفاتی دزفولی، سید جلال ساداتیان، سید محمد سجادی، محمد حسن اصغرنیا، حسین صادقی، مسعود صادقی آزاد، حجت الاسلام اسماعیل فردوسی پور، مرتضی فضلعلی، جعفر لواسانی، عبد العظیم هاشمی نیک، محمد شجاعیان، ناصر آقا علیخان، حسین کاظم پور اردبیلی، دکتر محمد خان، حجت الاسلام قدرت الله نجفی، حجت الاسلام محمود مروی (سماورچی)، مرتضی محمودی، حجت الاسلام مسیح مهاجری، سید محمد کیاوش، مهدی فاضلی، مسعود موسوی، علی موسوی، محمود جمالی، زین العابدین رئیسی، حیدرعلی علیزاده، هدایت عبدی، دانش مهر، ابراهیم عبدی، فتوت، محمد غریب، مهدی فاضلی، ابراهیم فردوسی، عباس شاهوری  . |

**کانال پرورشی مدارس**

**@arshivemorabi**